

بسم الله الرحمن الرحيم

مطالعه تطبیقی علل دروغ گویی در فرزندان از دیدگاه اسلام و روان شناسی راهکارهای

پیشگیری ان

استاد راهنما رحیم پور

الناز رویین تن ، لیلا اقاپور ، ندا واثقی نیا ، زینب حمیدی

حوزه علمیه حضرت خدیجه سلام الله علیها

استان تهران

چکیده تحقیق

در این تحقیق ما سعی کردیم ابتدا دروغ را تعریف کنیم و علل دروغگویی را در کودکان و بزرگسالان ریشه یابی کنیم و راهکارهای پیشگیری و درمان آن را از نظر اسلام و روانشناسی بررسی کنیم و همچنین انواع دروغ گویی از دیدگاه روانشناسان در این مقاله ارائه شده است همان طور که می دانیم دروغ یکی از رزایلی است که عواقب آن هم به خود فرد هم به جامعه صدمه می زند در عین حال در مواردی فقه برای حرمت دروغ استثنائاتی قائل شده است از جمله اصلاح ذات البین

تعریف و تبیین

۱_۱ مترادف ها

دروغ ، کذب

تعریف دروغ: دانا مدیریت - دانش - مهارت - تجربه

مقاله (دروغگویی در کودکان) مقدمه یکی از نکات مهم تربیتی جلوگیری از دروغگویی کودکان است. این مسئله در اغلب خانواده ها مطرح است و پدران و مادران البته نه در دوران خردسالی کودک بلکه از حدود سن تمیز از آن شدیداً رنج می برند. پایه گذاری این لغزش و خوی ناپسند از همان دوران کودکی است. در روزهای اول که بنا به علل اجتماعی و احیاناً غریزی طفل دروغ می گوید و راه حيله در پیش می گیرد والدین با موضع تشویق و خنده شغف از او استقبال می کنند غافل از این که همین امر موجب رشد و پرورش این حالت نابهنجار می شود. و کار به جایی می رسد که اولیا و مربیان از این موضوع نگران می شوند این بود که تصمیم گرفتیم در ارتباط با مسئله دروغگویی کودکان مطالعاتی انجام دهیم و خلاصه آن را بنویسیم.

تعریف دروغ :

دروغ بیان سخن و مطلبی است که مطابق با واقع و حقیقت نیست. معمولاً آن کس که دروغ می گوید آگاهانه به تحریف حقیقت می پردازد و امری را تأیید می کند که وجود خارجی ندارد. البته چنین امری همه گاه درباره کودکان صادق نیست. زیرا بعدها خواهیم دید که بسیاری از کودکان خردسال و آنها که در مرز سن تمیز هستند گاهی بین تخیل و واقعیت فرقی نمی گذارند و سخنی می گویند که به نظر ما دروغ است. دروغگوئی کودکان ممیز معمولاً با زمینه سازی ها و تدابیری اندیشیده است و در آن نقشه کشی و حساب مطرح است و طفل آن را به خاطر وصول به هدف و مقصدی مورد استفاده قرار می دهد. دروغ عبارت است از یک عمل روانی - اجتماعی است که فرد کم و بیش به طور عمدی سعی می کند ایمان یا گفتار یا عمل نادرست را در ذهن دیگران درست و حقیقی جلوه دهد.

۱_۲ متضادها

صدق ، صداقت ، راستگویی، حقیقت، واقعیت

مفاهیم و تعریف صداقت :

دهخدا در لغت نامه خود صداقت و راستگویی را سخن راست، قول حق، فعل و عمل حق می داند و دروغگویی را سخن ناراست، قول ناحق، خلاف حقیقت، مقابل راست و مقابل صدق تعریف می کند .

۱_۳ انواع دروغگویی : روانشناسان دروغگویی را به 8 دسته تقسیم می کنند:

۱_۳_۱ دروغ بازی: با این دروغ فرد می خواهد حوادث تخیلی و یا ذهنی خود را به دیگران بفهماند... اغلب دروغگویی کودکان از این نوع است .

۱_۳_۲ دروغ مبهم: این دروغ از ناتوانی فرد در گزارش دهی دقیق جزئیات و یا مغالطه کردن ناشی می شود

۱_۳_۳ دروغ پوچ: فرد جهت جلب توجه کردن دیگران و مطرح شدن این دروغ را می گوید. فرد جهت جلب توجه کردن دیگران و مطرح شدن این دروغ را می گوید.

۱_۳_۵ دروغ محدود: این دروغ در نتیجه ترس از مقررات شدید و یا تنبیه سخت ناشی می شود. انتقام جویانه: این دروغ از نفرت فرد به شخص و یا شیء ناشی می شود.

۱_۳_۶ دروغ خودخواهانه: دروغ حساب شده ای است جهت گول زدن دیگران برای بدست آوردن آنچه را که می خواهد.

۱_۳_۷ دروغ عرفی یا وفادارانه: این دروغ به منظور حفظ و مراقبت از دوستان انجام می شود .

۱_۳_۸ دروغ عادت: این دروغ به دلیل الگو برداری از والدین و یا محیط پرورشی فرد برایش عادت شده است .

در تمامی ادیان از جمله اسلام بر قبح دروغ تأکید شده است و قرار گرفتن آن در ذیل عنوان گناهان کبیره معرف این اهمیت است. پیامبر اکرم فرمودند: دروغگو، دروغ نمی گوید مگر به سبب حقارتی که در نفس خود دارد .

جامعه ای را در نظر بگیرید که دروغگویی در آن قاعده واصل باشد و نه استثناء، در این جامعه اعتماد متقابل وجود نخواهد داشت، روابط افراد کاملاً غیراخلاقی خواهد شد، فساد و تباهی در همه سطوح رخنه خواهد کرد و نیز چنین جامعه ای کمترین نزدیکی را با یک جامعه دینی و اخلاق مدار خواهد داشت.

۴_۱ استثنائات حرمت دروغ :

تعریف اصلاح ذات البین :

هر گاه دو نفر از یکدیگر کدورت و کینه‌ای داشته باشند و با هم قطع رابطه کنند برای اصلاح و آشتی دادن آنها دروغ گفتن جایز است یعنی گفتن مطالبی که موجب رفع کدورت‌ها و دشمنیها و برقراری روابط دوستانه و صمیمانه گردد، و همان گونه که برای رفع و درمان خصومت‌ها و اصلاح روابط میان مسلمانان دروغ گفتن جایز است برای رفع و پیشگیری از خصومتها و دشمنیها نیز گفتن دروغ جایز است. بنابراین هرگاه راستگویی باعث وقوع فتنه و ایجاد دشمنی میان دو مسلمان و دروغگویی مانع فتنه و موجب دوستی و صمیمیت و ارتباط و الفت شود، آن راست، مذموم و این دروغ، ممدوح خواهد بود.. خودخواهانه: دروغ حساب شده ای است جهت گول زدن دیگران برای بدست آوردن آنچه را که می خواهد.

۲_ اهمیت و ضرورت موضوع :

درنگاه اول جامعه از خانواده تشکیل میشود براساس تحقیقات علم روانشناسی و آموزه های دینی که انجام گرفته خانواده ای موفق است که تربیت کودک و نوجوان خود را با علم و آگاهی کامل انجام بگیرد امامتاسفانه می بینیم که این موضوع مهم و ارزشمند در جامعه کم رنگ و باعث شده کودکان و نوجوانان از راه های ناشایست از جمله دروغگویی، هنجارهای سنگینی و حتی ممکن غیرقابل جبران به خانواده و جامعه وارد کنند فلذا والدین و حتی مدرسه، و ارگانهای دیگری که مسئولیت تربیت کودک و نوجوان را برعهده گرفتند باید به ضرورت و اهمیت این موضوع بیشتر بپردازند مادران تحقیق اول علل و پیشامدها و در مرحله ی دوم پیشگیری و درمان دروغگویی کودک و نوجوان را بازنگری کردیم و از خوانندگان محترم می خواهیم به این دست آورده ها ی مهم و ارزشمند جامعه ی عمل بپوشانند.

۳_ اهداف و فواید تحقیق :

دروغگویی چگونه اتفاق می افتد؟ و این سوالی هست که بیشتر ذهن والدین و مسئولان آموزشی را درگیر میکند و همیشه سعی در آن هستند طوری کودک و نوجوان را پرورش دهند که کودک و نوجوان از دنیای دروغ به دور کنند و آنچنان در مورد دروغ تصویر سازی منفی در ذهن کودک و نوجوان انجام دهند که وقتی کودک و نوجوان بعد از اشتباه خود حالا عمدتاً پشیمان، مرتکب بشوند بادروغگویی آن راحل نکنند و از طریق دروغگویی اشتباه خود را پوشش ندهند و این یک مسئله ی مهمی است که باید به آن پرداخته شود. ما می خواهیم در اینجا شمارا به بهترین وجه باتمام آموزه های دینی و روانشناسی در مورد اینکه چرا کودک و نوجوان در بعضی از مراحل زندگی خود به دروغگویی متوسل می شود و اینکه درمان و پیشگیری آن به چه نحو می باشد با ما همراه باشید با نتایج خیلی شیک و زیبا و قابل اجرا.

۴_ پیشینه تحقیق و جنبه نوآوری :

دروغ یک رذیله است و از قدیم الایام تا به حال مقابله با آن مورد توجه انسان بوده است . و اینکه علت به وجود آمدن دروغگویی چه بوده ؟ بعد از ریشه یابی ، چگونه از به وقوع پیوستن دروغ با روش های مختلف پیشگیری کرد؟ و انواع راهکار برای پیشگیری و درمان دروغ چه در

کودکان و چه در بزرگسالان توسط عالمان دین و روانشناسان پیشنهاد داده شده است و مورد ارزیابی قرار گرفته است. امروزه با روش‌های نوین و با مشاوره‌های مختلف برای پیشگیری از دروغگویی خصوصاً در کودکان و نوجوانان تلاش‌های فراوانی صورت

۵_ سوالات تحقیق

۱_۵_ سوالات اصلی:

۱_۱_۵_ دروغ چیست؟

۲_۱_۵_ دروغگو کیست؟

۳_۱_۵_ علل دروغ‌گویی چیست؟

۲_۵_ سوالات فرعی

۱_۲_۵_ شیوه‌های درمان «دروغ‌گویی» چیست؟

۲_۲_۵_ انگیزه‌های «دروغ‌گویی» چیست؟

۳_۲_۵_ مذمت «دروغ» در روایات اسلامی چیست؟

۴_۲_۵_ آثار زیان‌بار دروغ در زندگی چیست؟

۵_۲_۵_ استثنائات حرمت دروغ‌گویی (دروغ مصلحتی) چیست؟ گرفته است.

۳_۱_۵_ علت دروغ‌گویی در کودکان:

مطالعات روانشناسی نشان می‌دهد کودکان از سن ۲ سالگی به بعد شروع به دروغ‌گویی می‌کنند. بنابراین برای هر کودکی ممکن است که دروغ گفتن اتفاق بیفتد.

والدین باید به این موضوع فکر کنند که علت دروغ‌گویی فرزندشان چیست و ریشه بیایی کنند دروغ گفتن یکی از اولین علایمی است که نشان دهنده آن است که کودک در حال آگاهی پیدا کردن از احساسات و خواسته‌های دیگران است آنها کم کم متوجه می‌شوند که می‌توانند ذهن دیگران را با دروغ‌هایشان دستکاری کنند.

هرچه کودک بالغ‌تر و بزرگ‌تر می‌شود دروغ گفتن او به خاطر پنهان کردن مسائل جدی‌تر استفاده می‌شود، مسائلی که ممکن است با روشن شدن آن کودک احساس خطر کند یا در بیان آن مسائل مشکل دارد، اگر علت دروغ‌گویی کودک مشخص نشود و مشکل برطرف نشود در بزرگسالی بیشتر می‌شود و به یک عادت تبدیل می‌شود و در نتیجه آسیب‌های جدی به زندگی آنها وارد می‌شود.

علت‌های مختلف دروغ‌گویی در کودکان:

۱. دروغ‌گویی پدر و مادر به فرزند خود که باعث می‌شود کودک رفتار والدین خود را تکرار کند. کودکان بسیار باهوش‌تر از آن هستند که ما تصور کنیم. دروغ‌های مصلحتی نیز ممکن است آنها را تشویق به دروغ‌گویی کند این اتفاق به خاطر این است که بزرگترها دروغ‌های کوچک را جدی نمی‌دانند. از قدیم گفتن دروغگو کم حافظه است؛ یعنی فراموش می‌کند که واقعیت چه بوده و او چه گفته است، و در نهایت برای کوچک و بزرگ مشخص می‌شود که دروغ گفته شده است.

۲. نفهمیدن مفهوم دروغ یعنی کودکان نمی‌دانند که دارند دروغ می‌گویند و دروغ چیست؟ کودکان به این امید که با گفتن دروغ آن چیز به واقعیت تبدیل می‌شود، دروغ می‌گویند. بهتر است بگوییم اتفاقی را که دوست دارند طبق میلشان رقم بخورد آنرا به دروغ می‌گویند و معتقدند که این امکان وجود دارد که دروغ آنها به واقعیت بپیوندد و اتفاق بیفتد. وقتی کودکان کاری را انجام دهند ولی آن را انکار کنند به این مفهوم است که ای کاش این کار را انجام نمی‌دادم.

۳. علت دروغ‌گویی کودکان نوجوانان به خاطر منافع شخصی‌شان است.

۴. موقعیت‌های اجتماعی پیچیده. برای مثال کودک به خاطر صداقت بیش از حد توسط والدین سرزنش می‌شود و کودک در این موقعیت که قرار می‌گیرد نمی‌داند که چه کند اگر راست بگوید مورد سرزنش قرار می‌گیرد و از طرفی دیگر شعاری که پدر و مادر همیشه می‌دهند دروغ خیلی بد است و دروغگو دشمن خداست، در نتیجه گیج می‌شود و گاهی دروغ گفتن را ترجیح می‌دهد.

۵. ترس بزرگترین علت دروغ‌گویی کودکان است. بچه‌ها گاهی برای جلوگیری از عواقب منفی دروغ می‌گویند آنها نمی‌دانند که نتیجه راست‌گویی چه خواهد بود و با دروغ گفتن می‌خواهند برای خود یک راه فراری بسازند.

۶. جلب توجه یکی دیگر از عوامل دروغ‌گویی کودکان است. داشتن وجهه خوب از علایق تمام انسان‌ها است، چه کودک و چه بزرگسال.

خیلی وقت‌ها والدین حتی متوجه نمی‌شوند که خودشان باعث دروغ‌گویی فرزندانشان شده‌اند و آنها را مجبور به این کار کرده‌اند. والدین وقتی فرزندانشان را با هم یا با دیگران مقایسه کنند، باعث می‌شود فرزندانشان خود را به والدین خود به طریقی اثبات کنند و حس کمبود آنها در نتیجه مقایسه والدین است که منجر به دروغ‌گویی کودکان می‌شود.

۷. گاهی کودکان به خاطر شوخی و خنداندن بقیه دروغ می‌گویند.

۸. ریشه اصلی دروغ‌گویی کودک کمبود عزت نفس است. گاهی بچه‌ها برای پوشاندن نقایصی که برای خود در تصور دارند به دیگران دروغ می‌گویند.

۹. فشار همسالان یکی از مهمترین دلایل دروغ‌گویی در کودکان است. برای همین والدین باید به دوستان کودک خود، توجه کنند، و به آن اهمیت دهند. تاثیرپذیری کودکان از دوستان و همسالان خود بسیار زیاد است. و رفتار دوستان آنها در نهایت به آنها هم سرایت خواهد کرد.

۱۰. پرخاشگری می‌تواند یک علت پنهان دروغ گفتن باشد. برخی کودکان عمداً دروغ می‌گویند، تا به بقیه صدمه بزنند. دکتر چالز وی فورد، روانپزشک، این نوع دروغ‌گویی را نوعی رفتار پرخاشگرانه می‌نامد.

اگر علت دروغ‌گویی کودک رفتار پرخاشگرانه (یعنی با گفتن دروغ‌های تهاجمی دیگران را وادار به عملی کند) یا به علت جلب توجه باشد، باید به روانشناس و یا مشاوره مراجعه شود، و با مشورت با روانشناس کودک علل پرخاشگری بررسی عمیق‌تری شده و درمان شود.

۱_۲_۵. راهکارهای درمان «دروغ‌گویی» چیست؟

پاسخ اجمالی:

نخستین شیوه درمان دروغ‌گویی، شناخت ریشه‌ها و پیامدهای آن است. در ابتدا باید با تقویت کردن ایمان و از بین بردن عواملی مانند حسد، بخل و خود کم بینی به درمان دروغ‌گویی پرداخت.

از دیگر راهکارها، اجتناب از دوستی با افراد دروغگو است.

همچنین آگاهی از پیامدهای زیانبار دروغ، مانند کاهش روزی، رسوایی در دنیا و آخرت و امثال اینها و دقت در آیات و روایاتی که راست گوین را در صف انبیاء و هم نشین شهداء قرار می دهد، تأثیر مهم و بازدارنده در دروغ گویی دارد.

پاسخ تفصیلی :

برای درمان این صفت رذیله (دروغ گویی)، نخست باید به سراغ ریشه ها برویم، چرا که با قطع نشدن ریشه ها، این نهال شوم همچنان پابرجاست. _ اگر ضعف ایمان، انگیزه دروغ گویی است؛ باید با تقویت پایه های ایمان، به خداوند قادر تکیه کرد، رزق و روزی، موفقیت، عزت و آبرو را به دست او بدانیم، تا ضعف های توسل به دروغ، برطرف گردد.

_ اگر حسد، بخل، کبر و غرور، انسان را به دروغ گویی می کشاند، باید به درمان آنها پرداخت، به یقین با قطع تدریجی این ریشه ها، چیزی جز صداقت و راستی باقی نخواهد ماند.

_ از سوی دیگر، بازخوانی پیامدهای زیانبار دروغ، همانند تیره روزی و بدبختی و رسوایی در دنیا و آخرت، ...، تأثیر مهم بازدارنده ای دارد.

اشخاص مبتلا به این رذیله اخلاقی، با پرهیز از دوستان ناباب و دروغگو، و محیط هایی که آنان را به دروغ تشویق می کند، سریع تر درمان می شوند، همانطور که پرهیز از افراد آلوده به بیماری های جسمی و محیط های آلوده، سبب سرعت در درمان بیماری خواهد شد.

بزرگان خانواده و جامعه نیز می توانند نقش مؤثری در عادت دادن مردم به راست گویی داشته باشند. چرا که وقتی افراد یک جامعه یا اعضاء خانواده چیزی جز صداقت و راستی از بزرگترها نبینند به سرعت به راستی و صداقت روی می آورند، اما بالعکس، دروغ، سبب آلودگی جامعه یا خانواده به این صفت رذیله می شود. بر اساس سخن پیامبر (صلی الله علیه وآله)، نباید طرق دروغ گویی را به دیگران یاد داد، ایشان در حدیثی می فرمایند: «لَا تُلَقِّنُوا النَّاسَ فَيَكْذِبُونَ فَإِنَّ بَنِي يَعْقُوبَ لَمْ يَعْلَمُوا إِنْ الذِّئْبَ يَأْكُلُ الْإِنْسَانَ فَلَمَّا لَقْنَهُمْ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ». قَالُوا أَكَلَهُ الذِّئْبُ؟ (1)؛ (هرگز تلقین دروغ به مردم نکنید، چرا که فرزندان یعقوب، نمی دانستند که گرگ ممکن است انسان را بخورد، و هنگامی که پدرشان یعقوب به آنها سفارش کرد مراقب یوسف باشند) و گفت من از این بیم دارم که گرگ او را بخورد [آنها یاد گرفتند و] گفتند یوسف را گرگ خورد [در حالی که دروغ می گفتند و یوسف در چاه بود]، آری این سخن بهانه ای به دست پسران یعقوب داد.

ایجاد شخصیت در افراد، یکی دیگر از مؤثرترین شیوه های درمان دروغ گویی است، احساس حقارت و کمبود شخصیت، یکی از عوامل مهم دروغ گویی است، زیرا این شخص می خواهد با لاف زدن کمبودهای خود را جبران کند، اما اگر احساس کند صاحب استعدادها و نیروهایی است که می تواند با پرورش آنها به مقامات عالی در جامعه برسد، برای ایجاد شخصیت، نیازی به متوسل شدن به دروغ ندارد. به ویژه اگر به آنها یادآوری کنیم که راستگویان و صدیقان در پیشگاه خدا، و در صف انبیاء و شهیدان، و رفیق و همنشین آنان در قیامت خواهند بود، به یقین به ترک دروغ و اقبال به راست گویی تشویق خواهند شد، قرآن کریم می فرماید: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا» (2)؛ (و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند [در روز رستاخیز] همنشین کسانی خواهد بود که خدا نعمت خود را بر آنان تمام کرده از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان، و آنها رفیق های خوبی هستند).

این نکته نیز قابل توجه است که نفوذ صفت زشت دروغگویی مانند صفات دیگر در وجود انسان، با دروغ های ساده و کوچک شروع شده و تدریجاً انسان را به دروغ های خطرناک می کشاند همان گونه که امام سجاد (علیه السلام) فرمود: «اتَّقُوا الْكَذِبَ فِي صَغِيرٍ وَ كَبِيرٍ فَيَكُلِّ جِدًّا وَ هَزْلًا فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَذَبَ فِي الصَّغِيرِ اجْتَرَّ عَلَى الْكَبِيرِ»؛ (از دروغ بپرهیز خواه کوچک باشد یا بزرگ، جدی باشد یا شوخی، چرا که انسان هنگامی که در موضوعات کوچک دروغ بگوید جرئت می کند که دروغ بزرگ هم بگوید).

۳_۲_۵. معصومین(علیهم السلام) با چه تعبیری «دروغ» را مذمت کرده اند؟

پاسخ اجمالی :

روایات تکان دهنده ای در مذمت دروغ وجود دارد، از جمله: امام حسن عسکری(ع) می فرمایند: «تمام پلیدی ها در اتافی قرار دارد و دروغ کلید آن اتاق است». «پیامبر(ص) می فرمایند: «دروغ دری از درهای نفاق است».

امام علی(ع) می فرمایند: «انسان هیچ گاه طعم ایمان را نمی چشد تا دروغ را ترک کند». «و روایات بسیار دیگری که دروغ را سرچشمه انواع گناهان، متزلزل کننده ارکان ایمان، و دعوت کننده به انواع معاصی و از بین برنده اعتماد می دانند. این مطلب نیز قابل توجه است که درباره کمتر گناهی این همه نکوهش دیده می شود.

پاسخ تفصیلی :

در روایات اسلامی تعبیرهای تکان دهنده ای درباره زشتی دروغ است که به مواردی از آن در اینجا اشاره میکنیم

1- در بعضی از روایات، دروغ کلید گناهان شمرده شده است. امام باقر(علیه السلام) در حدیثی می فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَ جَعَلَ مِفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ، وَ الْكِذْبُ شَرٌّ مِنَ الشَّرَابِ» (1)؛ (خداوند متعال برای شرّ قفل هایی قرار داده است، و کلید آن قفل ها شراب است [چرا که مانع اصلی زشتی ها عقل است و شراب عقل را از کار می اندازد] و دروغ از شراب هم بدتر است). امام حسن عسکری(علیه السلام) در حدیث دیگری می فرمایند: «جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ كُلُّهَا فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكِذْبُ» (2)؛ (تمام پلیدی ها در اتافی قرار داده شده و کلید آن اتاق، دروغ است).

دلیل آن این است که انسان های گنهکار هنگامی که خود را در معرض رسوایی می بینند با دروغ گناهان خود را می پوشانند، به تعبیر دیگر، دروغ به آنها اجازه می دهد که انواع گناهان را مرتکب شوند، بی آنکه از رسوایی بترسند، در حالی که انسان راستگو ناچار است گناهان دیگر را ترک کند چرا که راست گویی به او اجازه انکار گناه را نمی دهد و ترس از رسوایی، او را به ترک گناه دعوت می کند. در حدیث معروفی مردی به خدمت پیامبر(صلی الله علیه وآله) آمد و عرض کرد، آلوده به انواع گناهان است، پیامبر(صلی الله علیه وآله) فقط از او پیمان گرفت که دروغ نگوید، و همین سبب شد که تمام گناهان را ترک کند. این حدیث شاهد گویای بر این ادعا است.

2 - در احادیث دیگر، دروغ را با ایمان سازگار نمی داند، پیامبر(صلی الله علیه و آله) در این رابطه می فرمایند: «سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ(صلی الله علیه وآله) يَكُونُ الْمُؤْمِنُ جَبَانًا؟ قَالَ: نَعَمْ، قِيلَ وَ يَكُونُ بَخِيلًا؟ قَالَ: نَعَمْ. قِيلَ يَكُونُ كَذَابًا؟ قَالَ: لَا» (4)؛ (از پیامبر اکرم پرسیدند آیا انسان مؤمن ممکن است [احیاناً] ترسو باشد؟ فرمود: آری. باز پرسیدند آیا ممکن است بخیل باشد؟

فرمود: آری. پرسیدند آیا ممکن است دروغگو باشد؟ فرمود: نه». همین مضمون از امیرمؤمنان علی(علیه السلام) نقل شده، آنجا که می فرماید: «لَا يَجِدُ الْعَبْدُ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتْرُكَ الْكِذْبَ هَزْلَةً وَجِدَّةً» (5)؛ (انسان هیچ گاه طعم ایمان را نمی چشد تا دروغ را ترک گوید خواه شوخی باشد یا جدی).

(چرا دروغ با ایمان سازگار نیست؟ زیرا دروغ یا به خاطر آن است که انسان به منفعتی برسد یا از مشکلی رهایی یابد، حال اگر ایمان انسان قوی باشد می داند که خیر و شر به دست خداست، اوست که می تواند گره کور مشکلات را بگشاید، او است که می تواند در برابر ناملایمات از انسان دفاع کند، و اگر انسان به این موضوع که زیر مجموعه توحید افعالی است اعتقاد داشته باشد چه نیازی دارد که به دروغ متوسل گردد؟

3- امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در حدیث دیگری می فرماید: «وَشَرُّ الْقَوْلِ الْكَذِبُ» (6)؛ (بدترین سخن، دروغ است). زیرا آثار ویران گر آن از هر سخن بدی بدتر است.

4- آن حضرت در حدیث دیگری از دروغ به عنوان بدترین گناهان نام برده و می فرماید: «أَعْظَمُ الْخَطَايَا عِنْدَ اللَّهِ الْكَذُوبُ وَ شَرُّ النَّدَامَةِ نَدَامَةُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (7)؛ (بدترین گناهان نزد خدا [گناه] زبان دروغ گو است، و بدترین پشیمانی روز قیامت است) 5.

- پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) در حدیثی، دروغ را سرچشمه فجور و سبب ورود در دوزخ دانسته، و می فرماید: «يَاكُمْ وَ الْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَ إِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ» (8)؛ (از دروغ بهره‌یز چرا که دروغ به فجور دعوت می کند، و فجور به آتش دوزخ).

6- امام کاظم (علیه السلام) در حدیثی، دروغ را با عقل سازگار ندانسته و می فرماید: «إِنَّ الْعَاقِلَ لَا يَكْذِبُ وَ إِنْ كَانَ فِيهِ هَوَاءُ» (9)؛ انسان عاقل دروغ نمی گوید هر چند به آن تمایل داشته باشد.

7- پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در حدیثی، دروغ را سبب دوری فرشتگان رحمت از انسان دانسته و می فرماید: «إِذَا كَذَبَ الْعَبْدُ كَذِبَةً تَبَاعَدَ الْمَلَكُ مِنْهُ مَسِيرَةَ مِيلٍ مِنْ ثِنْتَيْنِ مَجَاءَ بِهِ» (10)؛ (هنگامی که یکی از بندگان دروغی بگوید فرشته به خاطر بوی تعفن که از آن دروغ بر می خیزد به اندازه یک میل از او دور می شود).

(میل از یک کیلومتر بیشتر و از دو کیلومتر کمتر است) .

8- پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)، دروغ را دریچه ای به سوی نفاق دانسته، و می فرماید: «إِنَّ الْكَذِبَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ النِّفَاقِ» (11)؛ (دروغ دری از درهای نفاق است). زیرا انسان دروغگو خود را در چهره انسان های راستگو قرار داده، در حالی که باطنش غیر از آن است، این دوگانگی ظاهر و باطن نوعی نفاق، و دروغ یکی از کارهای شایع منافقان است

9- انسان دروغ گو، اعتماد مردم را از دست می دهد، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در این رابطه می فرماید: «مَنْ عُرِفَ بِالْكَذِبِ قَلَّتِ الثِّقَةُ بِهِ» (12)؛ (کسی که به دروغ گویی شناخته شود، اعتماد مردم به او کم می شود). نقطه مقابل این معنی نیز در کلمات آن بزرگوار آمده، آنجا که می فرماید: «مَنْ تَجَنَّبَ الْكَذِبَ صَدَقَتْ أَقْوَالُهُ» (13)؛ (کسی که از دروغ بهره‌یزد سخنانش پذیرفته می شود).

10- این بحث دامنه دار را با سخنی از کلمات قصار امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پایان می دهیم، آن حضرت مردم را از دوستی با دروغگویان بر حذر داشته، و می فرماید: «وَإِيَّاكَ وَ مَصَادِقَةَ الْكَذَابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرَّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يَبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ» (14)؛ (از دوستی با دروغگو بهره‌یز که مانند سراب است، دور را در نظر تو نزدیک، و نزدیک را از روایات بالا به خوبی استفاده می شود که دروغ سرچشمه انواع گناهان، متزلزل کننده ارکان ایمان، از بدترین سخنان و دعوت کننده به انواع معاصی و شاخه ای از شاخه های نفاق و پاره کننده رشته های اعتماد و اتحاد است، و درباره کمتر گناهی این همه نکوهش و مذمت دیده می شود (15). دور می سازد [و تو را همراه می کند]).

از روایات بالا به خوبی استفاده می شود که دروغ سرچشمه انواع گناهان، متزلزل کننده ارکان ایمان، از بدترین سخنان و دعوت کننده به انواع معاصی و شاخه ای از شاخه های نفاق و پاره کننده رشته های اعتماد و اتحاد است، و درباره کمتر گناهی این همه نکوهش و مذمت دیده می شود (15).

۴_۵. آثار زیان بار دروغ در روایات اسلامی چیست؟

دروغ، آثار اجتماعی و معنوی بسیاری دارد که به گوشه ای از آنها اشاره می کنیم: رسوایی و از دست دادن پایگاه اجتماعی و اعتماد مردم؛ بر اساس تجربه، دروغ را نمی توان برای مدت طولانی پنهان داشت؛ زیرا ارتباط حوادث با یکدیگر، سبب می شود سرانجام حقیقت برملا شود. گاهی فرد برای مخفی ساختن یک دروغ، مجبور می شود دروغ های دیگری بگوید یا دست به کارهای خطرناکی بزند. دروغ انسان را به نفاق می کشاند. عادت کردن به دروغ گویی سبب فقر و تنگدستی است.

۵_۲_۵. استثنائات حرمت «دروغ گویی»

پرسش: بر اساس روایات و کلام فقها در چه مواردی توسل به دروغ جایز است؟

پاسخ اجمالی:

دروغ آثار ویران گر مادی و معنوی در زندگی انسان دارد. اما با این حال مواردی از حکم ممنوعیت آن استثناء شده است؛ مانند دروغ گفتن برای رفع کدورت بین افراد؛ اغفال دشمن؛ هنگام تقیه و تمام موادی که جان و ناموس انسان به خطر افتاده باشد. البته انسان نباید برای کارهای جزئی و با توسل به این استثنائات، دستاویزی برای دروغ گفتن ایجاد نماید. در واقع تجویز دروغ، مانند حلال بودن خوردن مردار در حالت اضطرار می باشد که باید به قدر ضرورت و تنها در مواردی که راهی به جز آن وجود ندارد، اکتفا شود.

پاسخ تفصیلی:

دروغ آثار ویران گر مادی و معنوی در زندگی انسان دارد. اما با این حال مواردی از حکم ممنوعیت آن استثناء شده است؛ مانند دروغ گفتن برای رفع کدورت بین افراد؛ اغفال دشمن؛ هنگام تقیه و تمام موادی که جان و ناموس انسان به خطر افتاده باشد. البته انسان نباید برای کارهای جزئی و با توسل به این استثنائات، دستاویزی برای دروغ گفتن ایجاد نماید. در واقع تجویز دروغ، مانند حلال بودن خوردن مردار در حالت اضطرار می باشد که باید به قدر ضرورت و تنها در مواردی که راهی به جز آن وجود ندارد، اکتفا شود.

پاسخ تفصیلی:

دروغ یکی از گناهانی است که همواره خطرات مادی، معنوی، فردی و اجتماعی زیادی برای انسان داشته، اما بر اساس روایات، سخنان فقها و علمای اخلاق، مواردی از حکم دروغ استثناء شده، که عبارتند از:

1- دروغ برای اصلاح ذات البین؛

2- دروغ برای اغفال دشمن در میدان جنگ؛

3- دروغ در مقام تقیه؛

4- برای دفع شرّ ظالمان؛

5- و تمام مواردی که جان و ناموس انسان به خطر افتاده و برای نجات از خطر، راهی جز توسل به دروغ نیست.

تمام این موارد مشمول قاعده اهم و مهم است، مثلاً هرگاه انسانی در چنگال جمعی متعصب، بی منطق و بی رحم گرفتار شود، و از مذهب او سؤال کنند، که اگر حقیقت را بگوید فوراً خون او را می ریزند، در این شرایط عقل و شرع به انسان اجازه می دهند که با پاسخ های دروغین جان خود را نجات دهد. یا زمانی که اختلاف شدیدی در بین دو نفر بروز کرده، انسان می تواند با گفتن دروغی (مثلاً فلان کس به تو علاقه زیاد دارد و بارها در پشت سر ذکر خیر شما را گفته) بین آن دو، صلح و آشتی برقرار سازد. البته انسان نباید به خاطر منافع شخصی و کارهای

جزئی متوسل به دروغ شود، و با توسل به این استثنائات، دستاویزی برای دروغ گفتن ایجاد نماید، و به این بهانه برای هر موضوع جزئی دروغ بگوید. در واقع تجویز دروغ در این موارد، همانند حلال بودن خوردن مردار (اکل میت) در حال اضطرار می باشد که باید به مقدار ضرورت و تنها در مواردی که راهی به جز آن وجود ندارد، اکتفا شود.

دلیل این استثنائات علاوه بر قاعده عقلی بالا (قاعده اهم و مهم) روایات متعددی است که در منابع مختلف اسلامی از معصومین (علیهم السلام) نقل شده است؛ از جمله 1-: امام صادق (علیه السلام) در حدیث معروفی می فرمایند: «لَيْسَ شَيْءٌ مِّمَّا حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا وَ قَدْ أَحْلَهُ لِمَنْ اضْطَرَّ إِلَيْهِ» (1)؛ (هیچ حرامی الهی نیست مگر این که خداوند آن را برای کسی که مضطر شده است حلال فرموده) .

2- حضرت علی (علیه السلام)، از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نقل می کنند که آن حضرت می فرمودند: «إِحْلِفْ بِاللَّهِ كَاذِبًا وَ نَجِّ أَخَاكَ مِنَ الْقَتْلِ» (2)؛ (سوگند دروغ به نام خدا یاد کن و برادرت را از کشته شدن [به ناحق] نجات ده)

3 .. پیامبر (صلی الله علیه وآله) در حدیثی می فرمایند: «كُلُّ الْكِذْبِ يَكْتُبُ عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا رَجُلٌ كَذَبَ بَيْنَ رَجُلَيْنِ يُصْلِحُ بَيْنَهُمَا» (3)؛ (هر دروغی در نامه عمل انسان نوشته می شود، مگر کسی که دروغ در میان دو نفر بگوید تا میان آن دو صلح برقرار گردد) .

4- در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «الْكِذْبُ مَذْمُومٌ إِلَّا فِي أَمْرَيْنِ دَفَعُ شَرَّ الظُّلْمَةِ وَ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ» (4)؛ (دروغ نکوهیده است مگر در دو چیز، دفع شر ظالمان و اصلاح ذات البین) 5 .. در حدیث دیگری از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) چنین نقل شده است: «كُلُّ الْكِذْبِ مَكْتُوبٌ كِذْبًا لَا مَحَالَةَ إِلَّا أَنْ يَكْذِبَ الرَّجُلُ فِي الْحَرْبِ فَإِنَّ الْحَرْبَ خُدْعَةٌ أَوْ يَكُونُ بَيْنَ رَجُلَيْنِ شَخْنَاءَ فَيُصْلِحُ بَيْنَهُمَا أَوْ يُحَدِّثُ إِمْرَأَتَهُ يُرْضِيهَا» (5)؛ (تمام دروغ ها حتماً دروغ نوشته می شود، مگر این که انسان در جنگ دروغ بگوید، زیرا [یکی از طرق پیروزی در] جنگ فریب [دشمن] است، یا در میان دو نفر کینه و عداوتی باشد و او [به وسیله دروغ] میان آنها صلح و آشتی برقرار سازد، یا با همسرش سخن می گوید [که واقعیت ندارد] به خاطر این که او را راضی کند).

منظور از جمله اخیر این نیست که انسان هر چه بخواهد به همسرش دروغ بگوید بلکه ناظر به مواردی است که همسر انسان توقعات نابجایی دارد، که در امکانات شوهر نمی گنجد، او با وعده دروغین، سر و صدای او را خاموش می کند، و چه بسا با گذشت زمان فراموش شده، و درگیری و منازعه ای پیش نخواهد آمد. این معنی در مورد توقعات غیر منطقی شوهر نیز صادق است، و در بعضی از روایات نیز به آن اشاره شده است.

ع_منابع :

پی نوشت: (1). «سفینه البحار»، ماده «صدق»، نقل از کتاب کافی». (2). مشکاة الانوار» طبرسی، صفحه 172». (3). اصول کافی»، جلد 2، صفحه 338». (4). جامع السعادات»، جلد 2، صفحه 233؛ «بحار الانوار»، جلد 66، صفحه 263». (5). جامع السعادات»، جلد 2، صفحه 322؛ «بحار الانوار»، جلد 66، صفحه 262». (6). وسائل الشیعه»، جلد 12، صفحه 250 (آل البيت)؛ «بحار الانوار»، جلد 66، صفحه 249. « (7) نهج البلاغه»، کلمات قصار، شماره 38. (8). به کتاب «زندگی در پرتو اخلاق» مراجعه فرمائید. (9). گرد آوری از کتاب: تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی، دارالکتب الإسلامیة، چاپ بیست و هفتم، ج 11، ص 447.